

تینا جعفرزاده: | تولید گاز حتی در تحریم اولویت وزارت نفت است



دارا بودن ذخایر هیدروکربوری در عصر صنعت و انرژی، برگ برنده‌ای است که می‌توان از آن در معادلات جهانی بهره برد و به تبع آن قدرت چانه‌زنی و نفوذ سیاسی کشورهای ذی‌نفع را افزایش داد.

دارا بودن ذخایر هیدروکربوری در عصر صنعت و انرژی، برگ برنده‌ای است که می‌توان از آن در معادلات جهانی بهره برد و به تبع آن قدرت چانه‌زنی و نفوذ سیاسی کشورهای ذی‌نفع را افزایش داد. ایران با توجه به ذخایر هیدروکربوری قابل توجه در جهان، سهم قابل توجهی از تامین سوخت‌های ارزشمند فسیلی را به خود اختصاص داده است و به تبع آن جایگاه ویژه‌ای از تعاملات جهانی در این عرصه را در اختیار دارد.

اگرچه با تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها در سال‌های اخیر، بازارهای هدف صادراتی ایران با بحران‌هایی روبه‌رو شده است، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که یکی از عوامل مؤثر و بازدارنده در افزایش بیشتر فشارهای غرب، نیاز کشورهای صنعتی به منابع هیدروکربوری ایران است. این موضوع به‌ویژه درباره سوخت گاز (با توجه به گستره بالای عملیاتی در صنایع) اهمیت بیشتری دارد. اروپا به عنوان یکی از مشتریان سوخت‌های فسیلی همواره توجه ویژه‌ای به ایران داشته است و با وجود اینکه سال‌هاست بخش عمده‌ای از نیاز خود به این سوخت ارزشمند را از روسیه تأمین می‌کند، اما به دلیل بدعهدی برخی از طرفین معامله و هزینه‌های سرسام‌آور انتقال گاز از دیگر کشورها، حساب ویژه‌ای روی گاز ایران باز کرده است؛ اولویتی که با علم به موقتی بودن تحریم‌ها، باعث شده تا همچنان اروپایی‌ها با ایران محتاطانه‌تر برخورد کنند و مواضع خود را در بحث تحریم‌ها تعدیل و تلاش کنند با میانجیگری، به دنبال راهی برای رفع اختلاف‌ها میان ایران و آمریکا باشند.

بدون شک، حفظ قدرت چانه‌زنی و سنگین‌تر بودن وزنه ایران در تعاملات جهانی و ارائه پاسخ به غرب، یکی از مواهبی است که مرهون همین ذخایر راهبردی فسیلی است. از سوی دیگر، پارس جنوبی به‌عنوان قطب

تولید گاز ایران، ۱۴۰۲ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی معادل هشت درصد از ذخایر گازی جهان و حدود ۴۰ درصد از مجموع ۳۳۰۸ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی ایران را در اختیار دارد. این میدان مشترک با قطر همچنین ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی را در خود جای داده است و نقش استراتژیکی در تکمیل زنجیره تولید گاز کشورمان بازی می‌کند. این میدان در دو دهه گذشته در حدود ۶۰ درصد از مجموع تولید گاز ایران سهم داشته و در اهداف ایران برای تبدیل شدن به یک بازیگر کلیدی در بازار جهانی گاز طبیعی مایع (ان‌جی‌ال) نقشی اساسی داشته و دارد.

از سوی دیگر، در حالی که ایران تا سال ۱۳۹۶ همواره تولید گاز کمتری از شریک خود در پارس جنوبی داشت، اما از سال ۹۲ و با تمرکز سرمایه و نیروی انسانی در فازهای اولویت‌دار سرانجام ایران برنده ماراتن نفسگیر تولید گاز شد و توانست در تولید گاز از این میدان مشترک از رقیب دیرینه خود نیز پیشی بگیرد. این در حالی است که ۶۵ درصد از چاه‌های میدان مشترک ایران و قطر در دولت تدبیر و امید و وزارت بیژن نامدار زنگنه حفر و عملیاتی شده است. نگاهی به خطوط دریایی ایجاد شده هم نشان می‌دهد که ۶۷ درصد از این خطوط در دوره وزارت زنگنه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم ایجاد شده است. در حالی که تا پیش از سال ۹۲ تنها ۲۰ ردیف پالایشگاهی در پارس جنوبی به بهره‌برداری رسیده بود، از سال ۹۲ تاکنون ۳۰ ردیف پالایشگاهی جدید که ۶۰ درصد از کل واحدهای فعلی را شامل می‌شود به بهره‌برداری رسیده است. در واقع از سال ۹۲ تاکنون معادل ۱۲ فاز استاندارد در پارس جنوبی به تولید رسیده است که به معنای افزایش سالانه متوسط ۱۷ درصد تولید گاز و افزایش دو برابری تولید از سال ۹۲ است. با توجه به این آمار، در ۶ سال گذشته، بیش از ۱۵۰۰ میلیارد متر مکعب گاز غنی به ارزش ۲۷۰ میلیارد دلار تولید شده که بخش عمده‌ای از درآمدزایی ارزی برای کشور را به خود اختصاص است.

در کنار این موارد، یکی دیگر از مزیت‌های افزایش تولید گاز را باید در عمل به تعهدها و انتظارها در مقوله اشتغالزایی و کارآفرینی در کشور جست‌وجو کرد. در سال‌های اخیر، بخش عمده‌ای از مسئولیت‌های اجتماعی به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته به شرکت ملی نفت ایران واگذار شده و شرکت ملی نفت ایران به عنوان بازوی توانمند دولت در تأمین بخش قابل توجهی از درآمدهای ارزی، متصدی اجرای این تعهدها به‌ویژه در حوزه اشتغالزایی شده است. شکی نیست که با گسترش خدمات گازرسانی که به‌صورت جدی از سوی مجموعه وزارت و

صنعت نفت کشورمان دنبال می‌شود، افزون بر تامین بخش عمده‌ای از نیازهای شهری، سوخت نیروگاه‌ها و صنایع نیز تامین خواهد شد که این موضوع به‌عنوان پیش‌نیازی در رونق و شکوفایی اقتصادی کشورمان مطرح است.

در نگاهی کلی آنچه از بایدها و نبایدها و الزام‌های وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران در افزایش تولید گاز وجود دارد را می‌توان در چند محور کلی خلاصه کرد: «ارتباط تنگاتنگ میزان تولید سوخت‌های فسیلی با قدرت چانه‌زنی و ارتقای جایگاه کشورمان در محافل سیاسی، انتظارات از مجموعه صنعت نفت برای گازرسانی و تامین سوخت مداوم نیروگاه‌ها و صنایع در داخل کشور، فروش منابع هیدروکربوری و تامین درآمد ارزی، دستیابی به سهم ایران در حوزه میدان‌های مشترک و همچنین انتظاراتی که از وزارت نفت در مقوله اشتغال‌زایی می‌رود» تنها گوشه‌ای از الزام‌هایی است که افزایش تولید گاز را به هدفی راهبردی در وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران بدل کرده و پاسخی است به برخی گمانه زنی‌های رسانه‌ای مبنی بر اینکه چرا وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران، در شرایط کنونی که ایران بازار هدف صادراتی جدیدی برای فروش گاز ندارد، باید نسبت به تعهدهای خود در افزایش این هیدروکربور ارزشمند پایبند باشد؟!!

تینا جعفرزاده

کارشناس انرژی